

# صنعت ادبی ناشناخته ریخته‌گویی و شاعران ریخته‌گو در زبان و ادبیات اردو

عباس سعیدی<sup>۱</sup>

دکتر سیاوش مرشدی<sup>۲\*</sup>

## چکیده

ادبیات کلاسیک فارسی چنانکه می‌دانیم برای سالیان دور، چه به صورت خود زبان چه در زبان‌های دیگر، بر ادبیات سرزمین‌های هم‌جوار تأثیر گذاشته است. یکی از این زبان‌ها، زبان و ادبیات اردو در شبه قاره هند (اعم از هند و پاکستان) است. در مقاله حاضر، پس از معرفی زبان اردو به چگونگی تأثیر ادبیات فارسی و نفوذ آن در شبه قاره پرداخته شده است. سپس معرفی صنعت ادبی «ریخته‌گویی» ارائه می‌شود. در جامعه آماری ۹۴ شاعر ریخته‌گوی اردو نام برده شده است. در بخش دیگر مقاله، الگوی شعر ریخته در موارد: (۱) مصراع اول و دوم فارسی؛ (۲) مصراع اول فارسی، مصراع دوم اردو؛ (۳) مختلط، معرفی و تحلیل شده است. در بخش بعد، به بررسی و تحلیل اوزان ریخته پرداخته شده است و نمودار آماری اوزان عروضی ریخته - که به طور عمده، متأثر از ادبیات فارسی - در پی آن آمده است. شگردهای ادبی و صور خیال از بخش‌های دیگر مقاله به شمار می‌رود. در این بخش به صورت تحلیلی، تاثیر صور خیال و ترکیب‌های بیانی ادبیات فارسی بر شاعران ریخته ارائه شده است. در پایان نتیجه‌گیری نقل می‌شود.

واژگان کلیدی: ریخته‌گویی، ادبیات اردو، ادبیات فارسی، عروض، بیان.

---

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

Email: as\_58\_58@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد گمیشان، دانشگاه آزاد اسلامی، گمیشان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: S\_morshedei@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

## مقدمه

زبان اردو یکی از زبان‌های هندو - آریایی است که از ترکیب و اختلاط زبان‌های رایج در مناطق شمالی هند و آمیزش زبان مسلمانان پارسی‌گو با مردم بومی آن نواحی به وجود آمده و از سال ۱۹۴۷. م با تأسیس حکومت اسلامی پاکستان به عنوان زبان رسمی آن کشور شناخته می‌شود.

برخی چون محمد حسین آزاد و گریسن این زبان را انشعابی از لهجه هندی غربی متداول در آگره و متهورا دانسته‌اند و برخی دیگر پیشینه شکل‌گیری این زبان را در دوره غزنویان جستجو کرده‌اند. بنا به نظر محمود شیرانی از روزگار فرمانروایی غزنویان در غزنه و پنجاب، و سپس در روزگار سلاطین مسلمان دهلی در سده‌های ۷-۱۰ق/۱۳-۱۶م، درباریان و لشکریان و کارگزاران حکومتی که غالباً به ایران و نواحی آسیای مرکزی تعلق داشتند و گروه‌های مهاجر فارسی زبان، با مردمان بومی مناطق شمالی هند درهم آمیخته بودند. این آمیزش و اختلاط موجب شده بود که زبان فارسی نیز در محاورات روزانه با زبان‌های محلی ترکیب شود و از این ترکیب، سرانجام زبانی نو، با ویژگی‌های زبان‌شناختی خاص خود به وجود آمد که گرچه در آغاز وسیله ارتباط کارگزاران دولتی و مهاجران بیگانه با مردم بومی بود، لیکن در طول زمان و به تدریج زبان رایج و متداول این نواحی شد. (شیرانی، ۱۹۸۷: ۸۵)

در این دوران زبان درباری و زبان شعر بیشتر فارسی بوده و بیشتر شاعران، حتی آنانی که زبان مادری آنها یکی از زبان‌های رایج آن وقت هندوستان بود، نیز به فارسی شعر می‌گفتند. اما پس از مدتی آشنایی شاعران این منطقه با اشعار و غزلیات شاعری به نام ولی دکنی که اشعار و غزلیاتی به زبان اردو می‌سرود، آنها را به صرافت سرودن اشعار به زبان اردو در کنار زبان فارسی انداخت و کم کم تمایل آنها برای سرودن به زبان اردو بیشتر شد، به طوری که پس از مدتی بزرگان ادب آن روزگار، شاعران جوان را به سرودن شعر به زبان اردو تشویق کردند و این گونه شد که زبان اردو، زبان شعر نیز شد و شاعران بزرگی چون میرزا محمد رفیع سودا و میر محمد تقی و غیره همگی به این زبان شعر می‌سرودند. (بیات، ۱۳۸۹: ۲۴)

با این وجود زبان و ادبیات فارسی که به عنوان یکی از عوامل مؤثر رشد و تعالی اندیشه‌های دینی و بستر ترویج و حیات فکری مسلمانان در قلمروهای گوناگونی، به ویژه در مناطق هم‌جوار تأثیر گذاشته بود و در شکل‌گیری بسیاری از زبان‌های نوین بزرگ خاورمیانه، آسیای مرکزی، جنوبی و مناطق آسیایی، نقش داشت، تأثیر خود را بر زبان اردو نیز گذاشت و زبان و ادبیات اردو که به عنوان یکی از نزدیک‌ترین زبان‌های رایج امروزی جهان به زبان فارسی شناخته می‌شود، تأثیرات فراوانی از زبان و ادبیات فارسی دریافت کرد. به نحوی که به هنگام شکل‌گیری خود وام‌دار زبان فارسی بوده و واژگان زیادی از فارسی به زبان اردو در طی ادوار مهاجرت کرده‌اند.

تأثیر زبان فارسی در زبان و ادبیات اردو، در طی رشد و ارتقای این زبان به گونه‌ای است که می‌توان گفت زبان و ادبیات اردو، نه تنها در واژگان و الفاظ و اصطلاحات بلکه در اسلوب و شیوه‌های ادبی نظم و نثر همچون مرثیه‌سرایی، مدیحه‌سرایی، مثنوی‌گویی، داستان‌گویی، تمهیدیه‌نویسی و امدار زبان فارسی است. از نمونه‌های درخشان و ملموس این تأثیر اسلوب می‌توان به مثنوی نویسی‌های دوره دکنی یا تألیف داستان «سب رس» از دوره ملاوجهی (۱۶۳۵ م) متأثر از ترجمه تمهیدات عین القضاات همدانی اشاره کرد. این زبان همچنین در تکنیک‌های ادبی چون تشبیهات و استعارات و تلمیحات نیز به بهترین شکل ممکن از زبان فارسی بهره گرفته است. در سایه این تأثیر بود که در زبان اردو قالب‌های جدید برای بیان افکار و احساسات و خیالات پیدا شد و تمام اصناف شعری، رمزیات، تلمیحات و علامات زبان فارسی به زبان اردو منتقل شد. (کاوسی نژاد و اسلامی: ۱۳۹۵)

زبان فارسی نه تنها در نظم و نثر و اشکال و اسالیب ادبی، بلکه در ساختار زبان‌شناختی و مجموعه واژگان این زبان نیز تأثیر داشته است و به دلیل سیطره و حضور حاکمانه زبان فارسی و در کنار آن ادبیات فخیم فارسی در این سرزمین، اکثر گونه‌های ادبی فارسی توسط شاعران اردو زبان مورد تقلید و اقتباس قرار گرفته‌اند.

یکی از اسلوب‌ها و تکنیک‌های کمتر شناخته شده زبان و ادبیات اردو که متأثر از صنعت ملمع‌سرایی ادبیات فارسی در این زبان رایج شده بود، ریخته یا ریخته‌گویی است. شعر ریخته

یعنی شعری که در آن از دو زبان فارسی و هندی استفاده شود. معمولاً هندیان در ابتدای مشق سخن که زبان فارسی را به مرتبه‌ی اعلا نیاموخته بودند، در سرایش اشعار از دو زبان هندی و فارسی در کنار هم استفاده میکردند و بعد از آموختن کامل زبان فارسی و بالا بردن درجه‌ی شعر خود، تنها به زبان فارسی آثار منظومی خلق می‌کردند. (رضایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸) «از ابتدای نومه‌شقی، با فقیر، کمال اخلاص و ارتباط دارد. پیشتر، گاهی ریخته که شعر آمیخته‌ی هندی و فارسی است، به طریقه‌ی خاص می‌گفت، حالا خلاف رتبه‌ی خود دانسته، ترک گفته. (حاکم لاهوری، ۱۳۹۰: ۱۱۲)

نخستین شاعر و نویسنده بزرگ فارسی هند که واژگان هندی در اشعار خود آورده امیرخسرو (۷۲۵ - ۶۵۳ ه. ق.) است. این شاعر اقدام به سرایش ملمعاتی نمود که یک مصراع آنها فارسی و مصراع دیگر هندی بود. این سبک مدتی دراز پس از امیرخسرو مورد تقلید بود و با نام ریخته در بین شاعران آن دوره شناخته می‌شد.

### ریخته و ریخته‌گویی

ریخته صفت مفعولی از مصدر ریختن است که در لغت به معنای سرازیرگشته، افشان، پاشیده شده و جاری شده آمده است. این لغت در فرهنگ‌های مختلف در ترکیب با کلمات دیگر با معانی متعدد ضبط شده است. چون ریخته دم (تیغی که روی آن شکسته باشد)، ریخته کردن (سد ساختن)، فروریخته (به معنی متلاشی شده) و... با وجود معانی متعدد این کلمه و ترکیبات گوناگون آن در فرهنگ‌های لغت باید گفت که معانی لفظی این واژه با معنی اصطلاحی آن ارتباطی ندارد. معنی اصطلاحی این کلمه اولین بار توسط امیر خسرو دهلوی در معنایی وام گرفته از اصطلاح موسیقی در زبان و ادبیات اردو به کار گرفته شد. در موسیقی در مفهوم این اصطلاح آمده است که «هرگاه آهنگ منظمی از ریتم‌های مختلف فارسی با ریتم‌های هندی در یک دستگاه نواخته شده و به آواز خوانده شود، آن را ریخته می‌نامند». (سندهی، ۱۹۹۲: ۱۱) امیر خسرو بعد از موفقیت در ترکیب قوافی فارسی و هندی این اصطلاح موسیقی را به عنوان معرف

اشعاری مختلط از مصراع‌های فارسی و هندی با یک موضوع واحد به کار بست و این کلمه از آن پس مفهوم اصطلاحی جدیدی به خود گرفت. یعنی: به شعری اطلاق شد که یک مصرع یا نصف مصرع آن به فارسی و یک مصرع یا نصف مصرع دیگر به هندی سروده شده بود. حاکم لاهوری در «تذکره مردم دیده» کلمه «ریخته» را در معنی این اصطلاح به کار برده و می‌نویسد: «مشق شعر ریخته بسیار کرده و می‌کند. دیوان در این فن دارد، مشهور است و اشعار فارسی هم جسته - جسته می‌گوید. (حاکم لاهوری، ۱۳۹۰: ۱۶۰) شاه سعدالله گلشن (وفات ۱۷۲۸ه. ق) طی توصیه‌ای که به یکی از مریدان خود به نام محمد ولی دکنی به زبان فارسی کرده است، چنین می‌گوید: «این همه مضامین فارسی که بی‌کار افتاده‌اند، در ریخته خود به کار گیرد از تو که محاسبه خواهد گرفت.» (سلیم اختر، ۱۹۹۱: ۸۷)

این اصطلاح در تذکره کلمات الشعرا به معنی مصرعی بی‌تکلف و تصنع آمده و بر اشعاری اطلاق می‌شود که به آسانی با اندک تأمل قابل فهم باشد. (سرخوش، ۱۳۸۹: ۱۴۵) در تذکره ریخته گویان گردیزی مؤلف در معرفی این شعر می‌نویسد: «و آن شعری است به زبان اردوی معلی مملکت هندوستان حرسه الله تعالی به طرز شعر فارسی در رموز و نیت.» (سید فتح علی حسینی گردیزی، نسخه خطی تذکره ریخته گویان به شماره ۲۴۲۷، کتابخانه رامپور). بعدها و با گذشت زمان «ریخته‌گویی» برابر با سرودن شعر به زبان اردو شد و همه شعب شعر اردو به نام «ریخته» نامیده شد و چون هنوز زبانی که امروزه به نام اردو شناخته می‌شود، نام اردو به خود نگرفته بود و مدت‌ها به نام هندی یا هندوئی یا هندوستانی خوانده می‌شد، به نام «ریخته» و پس از زمانی به «اردو» موسوم گردید و همین نام اخیر همه جا شایع شد. (رک: بیات، ۱۳۸۵: ۴۵)

به طور کلی در تعریف صنعت «ریخته‌گویی» می‌توان گفت: ریخته‌گویی صنعت و آرایه‌ای بدیعی در زبان و ادبیات اردو است که شاعر در آن شعری را به دو زبان فارسی و اردو به یک وزن و قافیه می‌سراید. در این شیوه شاعر پاره یا مصرعی از یک بیت را به زبان اردو و پاره یا مصرع دیگر را به زبان فارسی در یک معنای واحد می‌سراید. این آرایه شبیه آرایه مثلث یا مربع و یا ملّع ذولسانین است با این تفاوت که زبان دوم زبان اردو است.

## جامعه آماری

در پژوهش حاضر با توجه به تعریفی که از تکنیک «ریخته‌گویی» ارائه شده، نویسندگان با بررسی و تدقیق در دیوان و اشعار شاعران شبه قاره ۹۴ شاعر اردوزبان و فارسی‌سرا را شناسایی کردند که در دیوان خود در سرایش ریخته‌گویی طبع آزمایی کرده اند؛ شعری که در دیوان خود اقدام به سرایش اشعار ریخته نموده‌اند عبارتند از: آرزو، اشتیاق، آبرو، آگاه، انسان، آزاد، احسن، آشنال، آواره، الهام، انجام؛ بهار، بیرنگ، بیدار، بیتاب، پیام، بسمل، پاکباز، قزل باش خان، بیان، بیگل؛ تجرد، تابان، تمکین، قاقب؛ جگن، جرات، میر محمد باقر حزین، حشمت، حاتم، حسن، خاکسار؛ درد، دانا، ذهن؛ رسوا؛ زکی؛ سودا، سعدی، سجاد، سلام، سعادت، سراج، سامان، شوق، شاغل؛ صانع، صنعت، صمصام، ضیا؛ طالع، ظاهر، ظهور؛ عاصمی، عارف، عشاق، عزیز، عمده، عزلت، عمر، عاصی، عاشق، عاجز، غریب؛ فغان، قدرت، قدر، قاسم، قادری؛ کلیم، کمترین، کافر، لسان؛ مظهر، مضمون، مزمل، موزون، میران، محمدتقی میر، محمد میر، محسن، میر رحم علی موزون؛ ناجی، نثار، ولی؛ هدایت، یقین. در دیوان این ۹۴ شاعر، ۲۱۵ شعر ریخته مشاهده و بررسی شد و به عنوان جامعه آماری جهت تحلیل این شگرد ادبی در زبان و ادبیات اردو مورد استفاده قرار گرفت.

## ویژگی اشعار ریخته‌گویان در زبان اردو

### الف) الگوی سرایش

با بررسی اشعار شاعران و دیوان اشعار آنها در جامعه آماری، مشخص شد که این شاعران در سرایش این نوع شعر از سه الگوی زیر تبعیت می‌کنند.

۱- **مصرع اول اردو و مصرع دوم فارسی:** در این الگو از شعر ریخته، شاعر مصرع اول بیت را به زبان اردو و مصرع دوم را به زبان فارسی سروده است. در بین اشعار بررسی شده ۳۹ شاعر در این الگو شعر سروده‌اند و از بین ۲۱۵ شعر بررسی شده ۷۷ مورد از اشعار بدین شیوه دیده شد.

تری ابرو سی مرا دل نه چهنی گاهرگز      گوشت ناخن هی کھوکوئی جدا هوتاهی  
هی سوز عشق مجود مین بهان تیئن که بعد مرگ      پروانه مرغ روح هو شمع مزار کا

(حسینی گردیزی: برگ ۶۶)

مجھی درد دالم رھتاهی نت گیھری میان صاحب      خبر لیتی نھین کیسی هوتم میری میان صاحب  
جوان نه مرئی تو پچھر انتظار مین مری      خدا خزان نه وکھائی بهار مین مرئی  
تمام عمر شرابین پپاکی ساقی      هزار حیف که آخر خممار مرتکائی

(همان: برگ ۴۰)

از شاعرانی که به این شیوه شعر ریخته سروده‌اند می‌توان به آرزو، انسان، آزاد، احسن، آگاه، آواره، الهام، انجام، قاسم، قادری، کلیم، کمترین، کافر و... اشاره کرد.

## ۲- مصرع اول فارسی و مصرع دوم اردو: در این الگو از شعر ریخته، شاعر در شعر خود

مصرع اول را به زبان فارسی و مصرع دوم را به زبان اردو سروده است. گردیزی در تعریف شعر ریخته در تذکره خود با وجود اشاره به اقسام این شعر در دیوان اشعار تنها به این الگو اشاره می‌کند و از بازگویی الگوها و انواع دیگر آن خود داری می‌نماید و می‌نویسد:

«و انجام آن بر چند قسم است. قسمی است که مصرع اول آن فارسی و ثانی هندی باشد. به نزدیک تازه‌گویان مستهجن و مستفح است اما ترکیبات فارسی که مناسب و مانوس به زبان ریخته افتد جائز و ترکیب غیر مانوس جائز نی و فاروق و ممیز این امور جز صاحب سلیقه زبان و آنکه با فصاحت و بلاغت آشنا باشد و دیگری نمی‌تواند شد و ایهام که در زمان سلف ترویج یافته بود. اکنون طبیعت‌ها مصروف به این صنعت کم‌اند. مگر بسیار به شستگی و رفتگی بسته شود» (حسینی گردیزی: برگ ۱۱)

در بین اشعار بررسی شده ۱۰ شاعر در این الگو شعر سروده‌اند و از بین ۲۱۵ شعر بررسی

شده ۴۲ مورد از اشعار بدین شیوه دیده شد.

مجلس رندان مین مست لی جا دل بی شوق کوی

شیشه خالی گوکیا عزت هی میحوارون کی بیچ

(حسینی گردیزی، برگ ۱۰۳)

نزد فقیر تمناً مصرع دوم اگر چنین بود، بهتر

حق تویه هی که آه ســـــولی هی

(همان: برگ ۷۸)

مرکی پهر جیونا قیامت هی

زندگانی تو هر طرح کائی

(همان: برگ ۹۰)

از شاعرانی که از این الگو تبعیت کرده‌اند، می‌توان به میر محمد باقر حزین، آگاه، آواره،

الهام حشمت، حاتم، خاکسار؛ ذهین؛ سراج، سامان، شوق، صمصام، ضیا؛ ظهور؛ عاصمی، عارف،

عشاق، عمر، عاصی، عاشق، قادری؛ کلیم، مظهر، مضمون، مزمل و... اشاره کرد.

## ۱- مختلط

در این الگو شاعر خود را متعهد نمی‌سازد که زبان اردو یا فارسی را تنها در یک مصرع

بیاورد، بلکه هر مصرع را به دو بخش تقسیم نموده و در هر مصرع از هم نشینی واژگان اردو و

فارسی در کنار یکدیگر بهره برده است. به واقع در این نوع از الگوی شعری نصف مصرع

فارسی و نصف دیگر آن هندی یا اردو است. در این الگو عموماً پراکندگی کلمات اردو و

فارسی بدون نظم است و بسامد واژگان اردو نسبت به واژه‌های فارسی بیشتر است. این الگو

بیشترین بسامد را در بین سه الگوی سرایش شعر ریخته در بین شاعران بررسی شده به خود

اختصاص می‌دهد. به طوری که در بررسی‌های انجام شده مشخص شد که از بین ۹۴ شاعر

تعداد ۴۵ شاعر از این الگوی شعری استفاده کرده‌اند و اشعار خود را به این شیوه سروده‌اند. از

مجموع ۲۱۵ شعر بررسی شده ۹۶ شعر بدین شیوه دیده شد.



یار کا جب خیال آتھی ہوش میرا تمام جاتاھی

دل کہ تجرد عشق سی قرار نہیں اب تلک تجرد کو اعتبار نہیں

(حسینی گردیزی: برگ ۳۴)

ہزار حیف یہ گل چین و کھی بی پاگستاخ

یہ دہ چمن ہین نہیں صبا گستاخ

دہ شوخ مجرد سی ہی تنہا نہیں ہوا گستاخ

ہمیشہ عشق کی خدمت میں حسن تنہا گستاخ

کھان یہ ہانزد مرا اور کھان دہ دامن پاک

تمہاری لطف و کرم نی مجردی کیا گستاخ

(ہمان: برگ ۱۹)

ادب سی یار کی دل بین نفس خون ہو گیا میرا

یہ بلبل ناتوان آخر قفس بی تجلی ہوا بسمل

ترپنی کی تما کی ہوس باقی ہی قاتل کو

ہوا جاتاھی کیون اتنا تک اک بھی پر بلا بسمل

نکل سکتا نہیں ہی شکر کی عہدی سی قاتل کی

بیان کس منی سی مانگی اس سی اپنا خون بہا بسمل

(ہمان: برگ ۵۶)

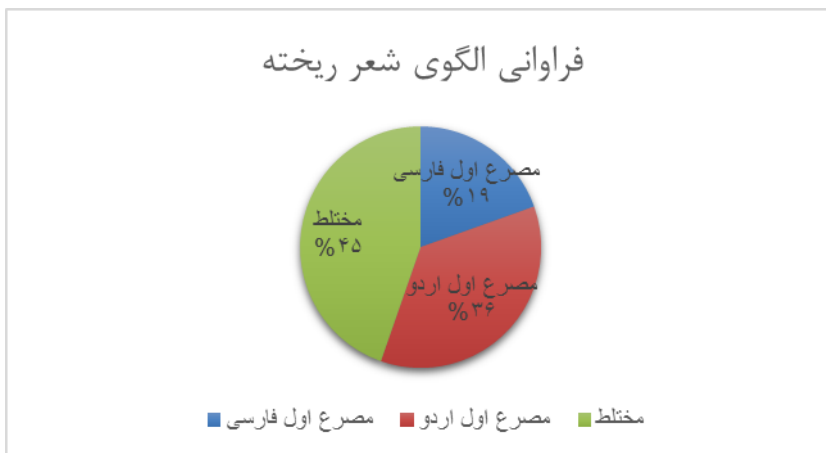
از شاعرانی کہ بہ این شیوہ شعر ریختہ سرودہ اند، می توان بہ عاجز، غریب؛ فغان، قدرت،

بیگل، تجرد، تابان، تمکین، قاقب؛ جگن، جرات، میر محمد باقر حزین، ؛ رسوا؛ زکی، سعدی،

سجاد، سراج، سامان، شوق، شاغل، صانع، صنعت، عمر، عاصی، عاشق، عاجز، مظہر، مضمون،

مزل، موزون، میران، محمد تقی میر، محمد میر، محسن، میر رحم علی موزون، ناجی، نثار، ولی،

ہدایت، یقین قدر، آشنال، آبرو، قاسم و... اشارہ کرد.



### ب) اوزان شعر ریخته

در بررسی اوزان شعر ریخته در بین شاعران جامعه هدف، شاهد کاربرد ۲۷ وزن عروضی و ۷ بحر هستیم که در بین بحور متفق الارکان بحر هزج (از تکرار مفاعیلن همراه با زحافات آن) و در بین بحور مختلف الارکان بحر مضارع (از تکرار فاعلاتن همراه با زحافات آن) بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. در این بررسی مشخص شد که ارکانی چون فاعلاتن، مفاعیلن و مفعول که در آنها نسبت هجاهی بلند بیشتر از هجاهای کوتاه است، نسبت به دیگر ارکان از بسامد بیشتری برخوردار است؛ چرا که این ارکان این امکان را فراهم می‌سازد تا شاعر مفاهیم بلند را در شعر مطرح کند. در این اشعار بحور و اوزان متفق الارکان نسبت به دیگر اوزان از فراوانی بیشتری برخوردار است به طوری که دو بحر هزج و رمل از فراوانی بیشتری نسبت به دیگر وزن‌ها در شعر ریخته برخوردار هستند. در مقابل بحور مختلف الارکان از بسامد پایین‌تری برخوردار هستند که از بین بحور مختلف الارکان دو بحر مضارع (با فراوانی ۲۳ مورد) و خفیف (با فراوانی ۵ مورد) به عنوان پرکاربردترین این نوع بحر دیده می‌شود. شاعران ریخته‌گو با تمایل به استفاده از زحافات رایج بحور مختلف الارکان توانایی خود را در سرایش شعر نسبت به دیگر شاعران اردو زبان در سرودن این نوع اشعار به نمایش گذاشته‌اند؛

از آن نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛ بحر مضارع در شعر مانند:

بهر کر نظر نه آیا هم کو سجن همارا      گویا که تنها چہہ وا وہ من ہرن ہمارا  
(مفعول فاعلاتن، مفعول فاعلاتن: مضارع مثنیٰ اُخرب صحیح عروض و ضرب)

(آرزو، به نقل از حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۷)

بحر خفیف:

قاز بی جا و لطف بی موقع      دلبران کی ادا ہی کیا کیا کچہہ  
(فعلاتن مفاعِلن فعِلن)

(بهار، به نقل از حسینی گردیزی: ۲۳)

پر کاربردترین بحر در اشعار ریخته بررسی شده، بحر هزج و پس از آن مضارع و رمل است. این نشانگر توجه شاعران به اوزان جویباری برای سرودن این نوع اشعار است. بحر هزج پرکاربردترین بحر در این اشعار است که بسامد تکرار آن بیش از یک سوم اشعار را در بر می‌گیرد و ۴۳ درصد اوزان به این بحر و متفرعات آن تعلق دارد. این بحر برای مضامین عاشقانه مورد استفاده قرار گرفته است؛ مانند:

تری زلفون نی کئی کئی پیچ سکھہ      دل بیکل کو راتون رات لی کئی  
(مفاعیلن مفاعیلن فعولن: هزج مسدس محذوف)

(قزل باش خان، به نقل از حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۳۰)

و از بین زحافات آن قبض، خرب، کف و قصر بیشترین کاربرد را دارد. بحر مضارع دومین بحر پرکاربرد در اشعار بررسی شده است و ۲۴ درصد اشعار را به خود اختصاص داده است. در این میان بحر مضارع مثنیٰ اُخرب که از اوزان دوری است به عنوان وزن خیزابی و ضربی و شاد بیشترین نمود را در بین زحافات این بحر دارد:

فرہاد کو محنت کی تلخی نہ کبھی ہوتی      شیرین کا جو یک بوسہ ملتا شکر آلودہ  
(مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن: مضارع مثنیٰ اُخرب صحیح عروض و ضرب)؛

(بیرنگ، به نقل از حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۷)

در اشعار بررسی شده ۸۲ وزن با ارکان هشت تایی (مثنی) و ۱۸ وزن با رکن‌های شش تایی (مسدس) دیده شد و اشعار در رکن چهارتایی (مربع) مشاهده نشد.

## ویژگی ارکان اوزان

### اوزان بلند

در بررسی‌های انجام شده مشخص شد که شاعران ریخته‌گو بسیاری از اوزان بلند با ارکان مثنی را در هر دو نوع محور متفق الارکان و مختلف الارکان آزموده‌اند و آن را برای مضامین مختلف به کار برده‌اند. این اوزان مجموعاً ۸۲ درصد از اشعار را دربر می‌گیرد. در این میان وزن ضربی و طولانی بحر هزج که برای مضامین عاشقانه و تغلی کاربرد دارد بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است، به طوری که بحر رمل مثنی سالم بیشترین تکرار را در بین اشعار دارد؛  
چون نه هو اشمع رو کی عشق کا سینی مین داغ

کون متجهه بی کس کی تربت پر کری روشن چراغ

(بیان، به نقل از حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۲۷)

### اوزان بلند مختلف الارکان

نام بحر	تعداد
مجتث	۱
مضارع	۲۲

### اوزان بلند متفق الارکان

نام بحر	تعداد
رمل	۱۸
هزج	۳۴
رجز	۳
مقارب	۲

## اوزان کوتاه

اوزان کوتاه (ارکان مسدس) در محور متفق الارکان و مختلف الارکان در مقایسه با اوزان بلند (مثنی) در اشعار ریخته بررسی شده از بسامد و کارکرد کمتری برخوردار است و شعرا تمایل چندانی به این رکن نداشته‌اند. بیشترین بسامد اوزان کوتاه در بحر هزج به صورت مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن: هزج مسدس سالم و مفاعیلن مفاعیلن فعولن: هزج مسدس محذوف قابل مشاهده است:

هوئی اه اب اس قدر نارسا      که سینی سسی آتی نهین لب تلک  
(بیان به نقل از حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۲۹)

### اوزان کوتاه مختلف الارکان

تعداد	نام بحر	
۵	خفیف	۱

### اوزان کوتاه متفق الارکان

تعداد	نام بحر	
۸	هزج	۱
۴	رمل	۲

## تأثیر اوزان ریخته از وزن‌های پارسی

همان گونه که در مقدمه عنوان شد، زبان اردو به همان میزان که از زبان فارسی متأثر و وامدار است، به همان اندازه نیز از زبان عربی و کلمات و اصطلاحات آن بهره مند است. با آنکه شاعران اردو زبان متأثر از زبان عربی نیز بوده‌اند و لغات و ترکیبات عربی در زبان و ادبیات اردو چشمگیر است، اما در بررسی‌های انجام شده روی ریخته‌گویی شاعران اردو زبان مشخص شد که شاعر در سرایش شعر ریخته و بیت و مصرع اردو تابع شعر فارسی بوده و شاعران در استفاده از اوزان، خود را تابع وزن در زبان فارسی می‌دانند. در برخی از ابیات شاعر ریخته را

در بحوری سروده است که در زبان عربی به آن شیوه کاربرد ندارد که این نشانگر تأثیر شیوه سرایش شاعر اردو زبان از شعر و اوزان فارسی است. به عنوان نمونه در بحر مجتث بیت اردو در شعر ریخته به پیروی از بیت فارسی در بحر مجتث مثنی سروده شده؛ مانند:

تمام عمر شرابین پیا کبب ساقی      هزار حیف آخر خمار مین موئی  
(مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فع لن: مجتث مثنی مخبون اصلم)؛

(قزل باش خان، به نقل از حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۲۷)

حال آنکه بحر مجتث در شعر عربی به صورت مربع است و در هر دو مصرع دو رکن دارد و مثنی استعمال نشده است و یا در بحر مضارع شعر ریخته به صورت مضارع مثنی سروده شده است به صورت مربع استعمال می‌شود. آنچه در اشعار ریخته مشهود است، تمایل فراوان شعرا به استفاده از سه بحر رمل، هزج و مضارع است و بیشتر اشعار در بحر هزج مثنی سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) سروده شده است؛ مانند:

مگر الحان داودی هی نعمت خان کی تائوی مین

که آهن سی دلون کو بین لی کر موم کر تاهی

(احسن، به نقل از حسینی گردیزی: ۱۸)

در بین اشعار ریخته بررسی شده ۱۲ مورد بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مثنی محذوف)؛ مانند:

کیون چپها ظلمت مین گر تجهه لب سی شرمنده

نه تنها جان کچهه پائی موی هی چشمه حیوان کی بیچ

(آبرو، به نقل از حسینی گردیزی: ۱۷)

۵ مورد بر وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن می‌باشد؛

مانند:

«های اس دیوانی دل نی کام کیا بیجا کیا آپ بدنام هی تنها متجهه کو بهی رسوا کیا»

(بسمل، به نقل از حسینی گردیزی: ۲۶)

می‌دانیم که در بحر رمل در زبان عربی زحافاتش اینگونه یکسان و همدست استعمال نشده است، بلکه در شعر عرب شاعر مختار است که در بحر رمل به جای فاعلاتن از زحاف خبن نیز بهره بگیرد ولی در شعر فارسی امکان استفاده از این زحاف در بحر رمل مسدس ممکن نیست و این شیوه خاص شعر عرب است و در شعر فارسی غریب است. همچنین بحر رمل در شعر عربی مسدس و مربع است و کاربرد آن به صورت مَثَمَن نامأنوس است. همچنین بحر رجز در شعر عربی مَثَمَن استعمال نشده است و مسدس آن کاربرد دارد. از نمونه‌های رجز مَثَمَن سالم در شعر ریخته می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

جان کر معنی کسی کی گر تمهین باندهی کھین

صاحب خرمن کوکب هی خوشه چینی کا دماغ

(بیان، به نقل از حسینی گردیزی: ۲۷)

همچنین در این اشعار شاهد بحوری هستیم که ویژه شعر فارسی است؛ مثلاً بحر مضارع مَثَمَن اُخْرَب که در زبان عربی بحر مضارع دو رکنی و مربع است. در نمونه‌ای دیگر در بین ریخته‌های شاعران اردو زبان شاهد سرایش شعر در بحر هزج مسدس اُخْرَب مقبوض هستیم که مختص شعر فارسی است و این بحر در زبان عربی به این شیوه کاربرد ندارد.

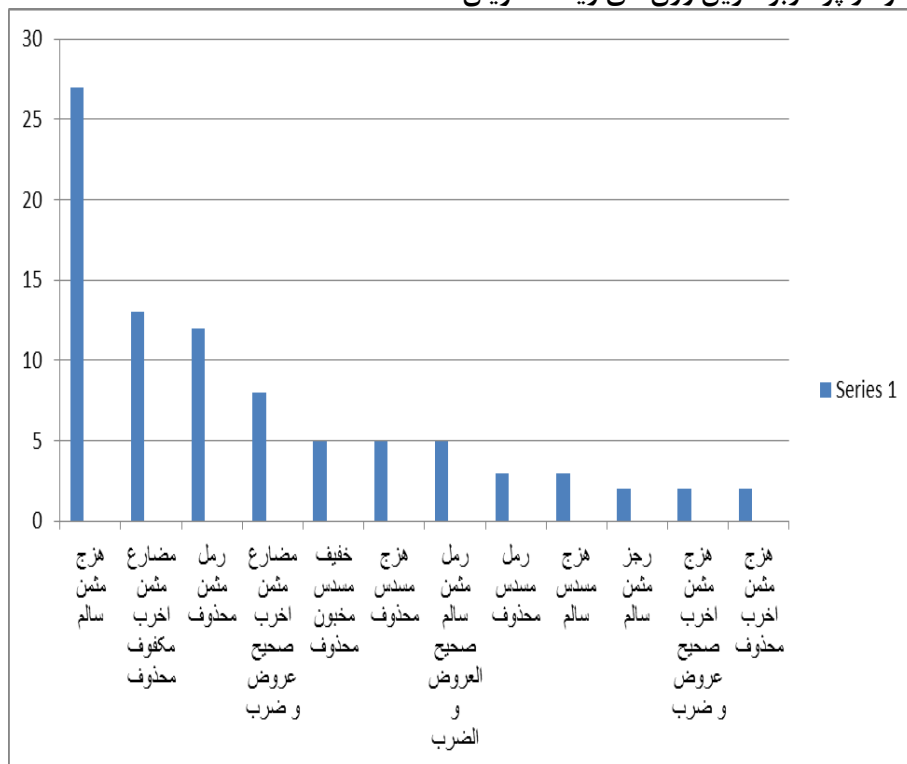
نکته‌ای دیگری که باید توجه کرد این است که شاعران ریخته‌گوی اردو زبان در درجه نخست به وزن‌های رایج در قالب غزل نظر داشته‌اند که از این میان متأثر از اوزان حافظ و سعدی، و در مرحله‌ی بعدی، مولانا بوده‌اند. اوزان برگرفته از دو شاعر برجسته شیرازی – چنان که می‌دانیم «جویباری» است؛ شاعران اردو هم – همان گونه که اشاره شد – بیشتر به این گونه وزن تمایل دارند تا «وزن خیزابی» که مورد علاقه مولانا است. در مرحله دیگر به بعضی اوزانی که در قالب مثنوی رایج بوده است، مانند رمل مسدس محذوف، هزج مسدس محذوف و خفیف مسدس مخبون محذوف... توجه داشتند، البته این وزن‌های مذکور مثنوی، در غزل هم رایج هستند.

### آمار و نمودار اوزان ریخته‌گویان

۸	۱	مفعول فاعلاتن، مفعول فاعلاتن: مضارع مثنیٰ اُخرب صحیح عروض و ضرب
۵	۲	فاعلاتن مفاعِلن فعلن: خفیف مسدس مخبون محذوف
۲۷	۳	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن: هزج مثنیٰ سالم
۱۳	۴	مفعول فاعلات مفاعیلن فاعِلن: مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف
۲	۵	مستفعلن مستفعلن مستفعلن: رجز مثنیٰ سالم
۱۲	۶	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن: رمل مثنیٰ محذوف
۲	۷	مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن: هزج مثنیٰ اُخرب صحیح عروض و ضرب
۱	۸	مستفعلن مستفعلن مستفعلن فع لن (رجز مثنیٰ اصلم)
۵	۹	مفاعیلن مفاعیلن فعولن: هزج مسدس محذوف
۲	۱۰	مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعولن: هزج مثنیٰ اُخرب محذوف
۱	۱۱	مستفعلن فاعلات مفعولن
۵	۱۲	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن: رمل مثنیٰ سالم صحیح العروض و الضرب
۱	۱۳	مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعلن: مضارع مثنیٰ مقبوض محذوف
۱	۱۴	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن: هزج مثنیٰ محذوف
۱	۱۵	مفاعیلن مفاعِلن مفاعِلن فع: هزج مثنیٰ اُخرب مقبوض...؟
۱	۱۶	فاعلاتن مستفعلن مفاعیلن
۳	۱۷	فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن: رمل مسدس محذوف
۱	۱۸	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فع لن: هزج مثنیٰ مقطوع
۱	۱۹	مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فع لن: مجتث مثنیٰ مخبون اصلم
۱	۲۰	فاعلاتن مفاعیلن مفاعیلن فعولن
۱	۲۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن: رمل مسدس سالم
۱	۲۲	فاعلاتن مفاعِلن فاعلاتن فع: مضارع مقبوض اصلم
۱	۲۳	مستفعلن فاعلاتن فاعلاتن فعل
۳	۲۴	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن: هزج مسدس سالم
۱	۲۵	فعولن فعولن فعولن فعلن: متقارب مثنیٰ محذوف
۱	۲۶	فعولن فعولن فعولن فعولن: متقارب مثنیٰ سالم
۱	۲۷	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن: رمل مثنیٰ اصلی



### نمودار پرکاربردترین وزن‌های ریخته‌گویان



### د) شگردهای ادبی و صورخیال شعر ریخته

با بررسی ۱۵۰ نمونه شعری جامعه هدف از شاعران ریخته‌گو، از منظر زیبایی‌شناسی مشاهده شد که در زمینه آرایه‌های بیانی و صور خیال بیشترین مورد، تشبیه با ۸۵ مورد، در مرحله بعدی استعاره مصرحه با ۴۵ مورد، سپس تشخیص (استعاره مکنیه) با ۵ مورد، و مجاز ۵ مورد قرار دارند. شاعران اردو زبان در بیشتر موارد از تصاویر شاعرانه (تشبیهات، استعارات و مجازات) ادبیات فارسی استفاده کرده‌اند و آنها را با همان واژگان فارسی به کار برده‌اند؛ از میان شاعران ادبیات فارسی، در اشعار تحلیل شده صائب تبریزی (۱۰۸۰ - ۱۰۰۰) بیشترین تأثیر را بر تصاویر شاعرانه شاعران ریخته‌گوی داشته است، علت این مسأله، زندگی صائب تبریزی در سالیان دراز در شبه

قاره هند و پیشرو بودن اوست. از میان شاعران تأثیرگذار، سه شاعر (صائب تبریزی، بیدل دهلوی و جوای تبریزی) در شبه قاره زندگی می‌کردند و بی‌دلیل نیست که این شاعران در شعر شاعران ریخته‌گویی در حوزه صور خیال و دیگر عناصر شاعری تأثیر گذار باشند، که خود این مسأله پژوهشی نو را می‌طلبد؛ در بررسی حاضر ۱۰ مورد تأثیر گذاری صور خیال از حافظ شیرازی مشهود شد، می‌دانیم که حافظ حتی در زمان خود نیز در شبه قاره شناخته شده بوده و حتی خود به زبان خویش گفته است: «شکر شکن شوند همه طوطیان هند/ زین قند فارسی که به بنگاله می‌رود» سه شاعر عارف: ابوسعید ابوالخیر، عطار نیشابوری، و مولانا در بررسی‌های انجام شده در این پژوهش مشخص شد که در صور خیال شاعران ریخته‌گویی تأثیر گذاشته‌اند، این مسأله نیز شاهدی بر تأثیر ادبیات عرفانی و مطالعه این گونه فرعی و بسیار مهم در میان شاعران ریخته‌گویی شبه قاره دارد؛

۱) در میان صورخیال، مواردی از نوآوری هم دیده می‌شود؛ برای مثال در ترکیب «پابره‌نه بهار» (تشخیص)؛

۲) در مواردی شاعران با به کار بردن تشبیه تفضیل و مضمیر در تشبیهات کهن نوآوری کرده‌اند؛

۳) عناصر صور خیال بیشتر در این ابیات که مضمونی عاشقانه دارند به کار رفته است و در توصیف عشق، عاشق و معشوق؛

۴) به کارگیری تلمیحات به داستان‌های عاشقانه ایرانی و غیر ایرانی که شاعر نامی ایران مانند نظامی گنجوی آنها را زنده کرده‌اند، مانند «داستان خسرو و شیرین» و «شکر اصفهانی معشوقه خسرو پرویز» (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۲۵)، یا «لیلی و مجنون» (همان: ۸)

۵) در برخی از موارد با بسامد بالا اعضای بدن معشوق به صورت مشابه برای تشبیه به کار رفته است، می‌دانیم در شبه قاره گونه فرعی به نام «سراپانامه» رایج بوده که در آن اندام معشوق با تشبیهات و عناصر خیال دیگر توصیف می‌شده است

۶) عناصر بیشتر تشبیهات حسی هستند؛

- ۷) در میان عناصر تشبیهی، موارد مربوط به باغ مانند «گل»، «عندلیب»، «بلبل»، «مار» و... دیده می‌شود که نشان دهنده پیوند عمیق شاعران شبه قاره با طبیعت است که با فلسفه آن اقلیم نیز پیوند دارد؛
- ۸) در همه موارد بررسی شده، عناصر تشبیه یا استعاره از واژگان فارسی تشکیل یافته است.

## آرزو

- ۱) تشبیه مضمّر و تفضیل «دهان» به «غنچه»:  
«تهری دهن کی آکی دم مارانا غلط هی غنچه لی کانتھے باندها آخر سخن همارا» (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۷)
- از تشبیهات مبتدل برگرفته از شعر فارسی. از نوع تفضیلی و مضمّر:  
به بزمگاه چمن دوش مست بگذشتم

چو از دهان توام غنچه در گمان انداخت  
(حافظ، ۱۳۶۲: ۵۱)

- ۲) «گل» و «بلبل» استعاره از معشوق و عاشق (۷)  
تشبیه مبتدل در شعر فارسی تقدّم و بسامد داشته است.
- ۳) «تیر» استعاره مصرحه از شراره‌های خورشید: «هر صبح آوتا هی تیری برابر کو / کھا دن لگی هین دیکھو خورشید خاوری کو» (۷)؛
- ۴) تشبیه «لب» به «لعل قیمتی» از نوع تشبیه مفرد به مقید (۷)؛  
تشبیه لب به «لعل» از تشبیهات پر بسامد و مبتدل ادبیات فارسی است و فقط شاعر به افزودن «قیمتی» نوعی نوآوری کرده است و تشبیه را به مقید بدل کرده است.

## اشتیاق

- ۱) تشبیه «گردباد» به «مجنون» (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۸)

برگرفته از صائب تبریزی:

گردبادی را که می‌بینی درین دامان دشت

روح مجنون است می‌آید به استقبال ما

(صائب، تک بیتی‌ها: ۲۵۲)

## آبرو

«جامه گل»: استعاره مصرحه از گلبرگ. (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۸) متأثر از:

چو گل هر دم به بویت جامه در تن

کنم چاک از گریبان تا به دامن

(حافظ، ۱۳۶۲: ۷۷۸)

۱) «گهر»: استعاره مصرحه از باران (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۹)

متأثر از صائب تبریزی:

به پیش بحر دهنان وانکرده جا دارد سحاب

اگر ز گ\_\_\_\_\_هر پر کند دهان صدف

(غزل ۵۱۶۵)

۲) تشبیه «رنگ رو» در سپیدی به «کبوتر» (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۹). گویا تشبیهی

بدیع و نو باشد؛

۳) تشبیه «لب» به «چشمه حیوان» (چشمه آب حیات) (همان: ۱۰):

خط سبز و لب لعلت به چه مانده کنی

من بگویم به لب چشمه حیوان ماند

(سعدی، ۱۳۸۱: ۴۹۱)

۴) «سرو قد»: تشبیه بلیغ اضافی از تشبیهات مبتذل فارسی (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۱۰)

۵) تشبیه «زندگی» به «سراب» (همان)

تشنه می‌سازد به تیغ آبدار نیستی

خاکیان را منت خشک سراب زندگی

(صائب: غزل ۶۷۰۱)

۶ تشبیه «ابرو» به «زاغ» (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۱۱)

تو خال گوشه‌ی ابرو مگو که مبتدل است

بگو جو یا زاغ کمان ابروی ش

(جو یای تبریزی: غزل ۷۶۴)

۷ تشبیه «رخسار» به «سیم» در ترکیب «رخسار سیمین» (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۱۳).

به طور معمول در ادبیات «تن» به سیم و با صفت «سیمین» آورده می‌شود از این نظر شاعر

(آبرو) ابتکار به خرج داده است؛

۸ «سیم تن» (همان)

ترکیب (اضافه تشبیهی) مبتدل و پر کار برد در زبان فارسی؛

۹ «ماهرو» (همان) ترکیب مبتدل (اضافه تشبیهی) برگرفته از فارسی؛

۱ «مشت خاک»: مجاز از انسان (انسان، به نقل از گردیزی، ۱۹۳۳: ۱۷)

دو عالم گشت یک زخم نمکسود از غبار من

ز مشت خاک من دیگر چه می‌خواهی پریشانی

(بیدل دهلوی، ۱۳۸۶: ۱۳۲۲)

۱ «عندلیب»: استعاره مصرحه از عاشق (آواره، به نقل از حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۱۹)

بر عندلیب عاشق گر بشکنی قفس را

از ذوق، اندرون ش پروای در نباشد

(سعدی، ۱۳۸۱: ۴۸۲)

«صیاد»: استعاره مصرحه از معشوق

(انجام، به نقل از حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۲۰):

گر ز تنهایی بنالد محض کافر نعمتی است

هر که چون صیاد دارد خانه خواهی در قفس

(صائب: غزل ۴۸۴۰)

## بهار

۱) تشخیص یا استعارهٔ مکنیه بهار در ترکیب «پابره‌نه بهار» (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۲۱) ترکیب یا اضافهٔ استعاری (تشخیصی) نویی است.

۲) «سرو رعنا»: استعارهٔ مصرحه از معشوق (همان)

چند سوی چمن آیم به هوای ت چو صبا

یک ره‌ای سرو سهی قامت رعنا بنما

(جامی، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

۳) «گل بدن»: اضافهٔ تشبیهی. تشبیه بلیغ اضافی. (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۲۲)

رفتی به گلگشت چمن، گل دید لطف آن بدن از شوق آن بر خویشتن زد جامه چاک‌ای نازنین

(جامی، ۱۳۸۹: ۵۷۲)

۴) «ماه مصر»: استعارهٔ مصرحه از یوسف (ع) (حسینی گردیزی؛ ۱۹۳۳: ۲۳)

صائب این استعاره را بسیار به کار برده است؛ از جمله:

به ماه مصر یکی پیرهن مضایقه کرد

چه چشم‌دات دگر از وطن بود ما را

(صائب: غزل ۵۸۶)

۱- «ره غفلت»: اضافهٔ تشبیهی. «غفلت» (مشبه) به «ره» (مشبه به) تشبیه شده است. (بیرنگ، به

نقل از حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۲۳).

از ره غفلت، عدم راه، هستی‌اندیشیده ایم

شبههٔ تقریریم و استفهام ما انکاری است

(بیدل دهلوی، ۱۳۸۶: ۴۶۰)

۲- «زنجیر جانان»: استعاره مصرحه از زلف یار (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۲۳)

گر بود زنجیر جانان از پی دیوانگان خود منم

دیوانه بر عارض ترا زنجیر چیست!؟

(سنایی، ۱۳۸۰: ۸۲۵)

۳- تشبیه «بوسه» به «شکر» در بیت ایهام به «شکر اصفهانی» در پیوند با «شیرین» در داستان

خسرو و شیرین و شیرین و فرهاد (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۲۵)

طفل گستاخم و کامم به شکر خو کرده است

بوسه می‌خواهم و از کنج دهن می‌خواهم!

(صائب: غزل ۵)

## بیان

۱ «خون می»: اضافه تشبیهی «می» به «خون» تشبیه شده است (حسینی گردیزی،

۱۹۳۳: ۲۸)

آن خون کسی ریخته‌ای یا می‌سرخ است

یا توت سیاه است که بر جامه چکیده‌ست

(سعدی، ۱۳۸۱: ۴۳۴)

## بیکل

۱ «عشق می» (تشبیه «عشق» به «می» + مشبه + مشبه به: اضافه تشبیهی) (حسینی گردیزی،

۱۹۳۳: ۳۰)

این تشبیه در ادبیات فارسی با بسامد بالا به کار رفته است، از جمله در غزل ۳۰۱ عطار

نیشابوری:

از می‌عشق نیستی هر که خروش می‌زند عشق

تو عقل و جانش را خانه فروش می‌زند

(عطار، ۱۳۸۳: ۲۴۱)

۲) «بازار خوبی» (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۳۰): اضافه تشبیهی. تشبیه بلیغ. «خوبی» (زیبایی) به «بازار» تشبیه شده است. متأثر از بیت زیر:

عجب آن شهره بازار خوبی عجب آن رونق گلزار چونست  
(مولوی، ۱۳۹۱، ۱۲۹: غزل ۳۵۸)

۳) «تیری ابرو» (حسینی گردیزی، ۱۹۳۳: ۳۰) استعاره مصرحه از غمزه یا مژگان. جالب توجه است و نوعی تشبیه مبتدل را نو کرده است؛

تابان: ۱) «مرغ روح» (همان: ۳۱) تشبیه بلیغ (اضافه تشبیهی): (مشبه به + مشبه: «روح» به «مرغ» (پرنده) تشبیه شده است.

در رباعیات منسوب به جناب ابوسعید ابوالخیر به کار رفته است:

من رفتم و مرغ روح من پیش تو ماند تا همچو کبوتر از تو آرد نامه

(ابوسعید، بی تا: ۱۰۱)

## نتیجه

تأثیر زبان فارسی در زبان و ادبیات اردو، در طی رشد و ارتقای این زبان به گونه‌ای است که می‌توان گفت زبان و ادبیات اردو نه تنها در واژگان و الفاظ و اصطلاحات بلکه در اسلوب و شیوه‌های ادبی نظم و نثر همچون مرثیه‌سرایی، مدیحه‌سرایی، مثنوی‌گویی، داستان‌گویی، تمهیدیه نویسی و امدادار زبان فارسی است. ریخته‌گویی صنعت و آرایه‌ای بدیعی در زبان و ادبیات اردو است که شاعر در آن شعری را به دو زبان فارسی و اردو به یک وزن و قافیه می‌سراید. در این شیوه شاعر پاره یا مصرعی از یک بیت را به زبان اردو و پاره یا مصرع دیگر را به زبان فارسی در یک معنای واحد می‌سراید. این آرایه شبیه آرایه مثلث یا مربع و یا ملمع ذولسانین است با این تفاوت که زبان دوم زبان اردو است. در پژوهش حاضر با توجه به تعریفی که از تکنیک «ریخته‌گویی» ارائه شده، نویسندگان با بررسی و تدقیق در دیوان و اشعار شاعران شبه قاره ۹۴ شاعر اردو زبان و فارسی‌سرا را شناسایی کردند که در دیوان خود در سرایش ریخته‌گویی طبع آزمایی نموده‌اند. از نظر «الگوی سرایش» شاعران ریخته‌گوی بیشتر از



شیوه مختلط استفاده کرده‌اند؛ یعنی: در این الگو شاعر خود را متعهد نمی‌سازد که زبان اردو یا فارسی را تنها در یک مصرع بیاورد، بلکه هر مصرع را به دو بخش تقسیم نموده و در هر مصرع از هم نشینی واژگان اردو و فارسی در کنار یکدیگر بهره برده است. شاعران ریخته‌گو، بسیاری از اوزان بلند با ارکان مثنی را در هر دو نوع بحر متفق الارکان و مختلف الارکان آزموده‌اند و آن را برای مضامین مختلف به کار برده‌اند. این اوزان مجموعاً ۸۲ درصد از اشعار را دربر می‌گیرد. در این میان وزن ضربی و طولانی بحر هزج که برای مضامین عاشقانه و تغزلی کاربرد دارد، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. بسامد اوزان به ترتیب این صورت: رمل، هزج و... است. همان گونه که در مقدمه عنوان شد زبان اردو به همان میزان که از زبان فارسی متأثر و وامدار است. با آنکه شاعران اردو زبان متأثر از زبان عربی نیز بوده‌اند و لغات و ترکیبات عربی در زبان و ادبیات اردو چشمگیر است اما در بررسی‌های انجام شده مشخص شد که شاعر در سرایش شعر ریخته و بیت و مصرع اردو تابع شعر فارسی بوده و شاعران در استفاده از اوزان، خود را تابع وزن در زبان فارسی می‌دانند. در برخی از ابیات شاعر ریخته را در بحوری سروده است که در زبان عربی به آن شیوه کاربرد ندارد که این نشانگر تأثیر شیوه سرایش شاعر اردو زبان از شعر و اوزان فارسی است. از نظر علم بیان بیشترین مورد از عناصر بیان یا صور خیال، تشبیه با ۱۷ مورد، در مرحله بعدی استعاره مصرحه با ۹ مورد، سپس تشخیص (استعاره مکنیه) با ۱ مورد، و مجاز ۱ مورد قرار دارند.

از میان شاعران ادبیات فارسی، در اشعار تحلیل شده صائب تبریزی (۱۰۰۰ - ۱۰۸۰) بیشترین تأثیر را بر تصاویر شاعرانه‌ی شاعران ریخته‌گوی داشته است، علت این مسأله زندگی صائب تبریزی در سالیان دراز در شبه قاره هند و پیشرو بودن اوست، از دیگر سوی، اشعار بسیاری از این شاعر ایرانی امروزه باقی مانده است؛

از میان شاعران تأثیرگذار، سه شاعر (صائب تبریزی، بیدل دهلوی و جوای تبریزی) در شبه قاره زندگی می‌کردند و بی‌دلیل نیست که این شاعران در شعر شاعران ریخته‌گوی در حوزه صور خیال و دیگر عناصر شاعری تأثیر گذار باشند، که خود این مسأله، پژوهشی نو را می‌طلبد.

منابع

کتاب‌ها :

- ۱- ابوسعید ابوالخیر. دیوان ابوسعید ابوالخیر. بی‌نا، بی‌تا.
- ۲- احمدزاد، کامل؛ کمالی اصل، شیوا. عروض و قافیه. تهران: نشر آبیژ، ۱۳۸۵.
- ۳- \_\_\_\_ . معانی و بیان. تهران: نشر اختران، ۱۳۹۲.
- ۴- بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق. دیوان بیدل دهلوی، تصحیح اکبر بهداروند، دوره دو جلدی. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۶.
- ۵- چوهدری، شاهد. فرهنگ واژه‌های فارسی در زبان اردو. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۶- حافظ، خواجه شمس الدین محمد. دیوان حافظ، تصحیح پرویز ناتل خانلری. تهران: انتشارات خورازمی، ۱۳۶۲.
- ۷- حاکم لاهوری، عبد الحکیم. تذکره مردم دیده، به کوشش علیرضا قزوه. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی،
- ۸- حسینی گردیزی، حسین. تذکره ریخته‌گویان (نسخه خطی). کتابخانه رامپور، ۱۱۵۶ه. ق
- ۹- سرخوش، محمد افضل، کلمات الشعراء، به کوشش علیرضا قزوه. تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شوراییاسلامی، ۱۳۸۹.
- ۱۰- سعدی، مصلح الدین عبدالله. کلیات سعدی، به اهتمام محمد علی فروغی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.
- ۱۱- سلیم اختر. اردو ادب کی مختصرترین تاریخ. لاهور، سنگ میل پبلی کیشنز، ۱۹۹۱.
- ۱۲- سنایی، مجدود بن آدم. دیوان سنایی غزنوی، به سعی و اهتمام محمد تقی مدرس رضوی. تهران: انتشارات سنایی، ۱۳۸۰.
- ۱۳- سندهی، میمن عبدالمجید. لسانیات پاکستان، اسلام آباد، مقتدره قومی زبانف، ۱۹۹۲.
- ۱۴- شمیسا، سیروس. آشنایی با عروض و قافیه. تهران: نشر میترا، ۱۳۹۸.
- ۱۵- شیرانی، حافظ محمود. مقالات، به کوشش مظهر محمود شیرانی. لاهور، ۱۹۸۷م.

- ۱۶- عطار، شیخ فرید الدین. دیوان عطار، تصحیح تقی تفضلی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
- ۱۷- مولوی، جلال الدین محمد. کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر. تهران: نشر بهنود، ۱۳۹۱.

#### مقالات:

- ۱- بیات، علی. «بررسی اصطلاحات ادبی اردو». مجله پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۲۸، صص ۵۲ - ۳۵، زمستان ۱۳۸۴.
- ۲- \_\_\_\_\_ . «بررسی نوع ادبی مرثیه در زبان اردو». پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۸۹.
- ۳- رضایی، محمد؛ شکری، یدالله؛ تقی‌زاده، آرزو. «تحلیل چند اصطلاح نقد ادبی در تذکره‌های عصر صفویه». نامه فرهنگستان، ویژه نامه شبه قاره، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- ۴- کاوسی نژاد، علی. «بررسی پیشینه ترجمه از زبان فارسی به زبان اردو، فانید اسلامی، علی کاوسی نژاد، همایش بین‌المللی شرق‌شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی - ۱۳۹۵»
- ۵- کمالی، کهدویی، الهام بخش. «بررسی آماری غزل‌های بیدل دهلوی و مقایسه آن وزن غزل فارسی و سبک هندی»، فنون ادبی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۲۶ - ۱۰۷، زمستان ۱۳۸۸.

## Unknown literary figure of Rekhta and poets casting of Rekhta in Urdu

Abbas Saidi<sup>1</sup>, Siavash Morshidi Ph.D<sup>2\*</sup>

### Abstract

Classical Persian literature, as we know, has influenced the literature of neighboring lands for many years, both in its Persian language and in other languages. One of these languages is Urdu language and literature in the Indian subcontinent (including India and Pakistan). In the article, after introducing the Urdu language and how the influence of Persian literature and its influence in the subcontinent are discussed. Then, the introduction of the literary figures of speech of "Rekhta poem" is presented. In the statistical community, 94 poets have been mentioned. In the other part of the article, the pattern of poetry cast in the following cases: 1) The first and second Persian hemistich; 2) the first Persian hemistich, the second Urdu hemistich; 3) Mixed is introduced and analyzed. In the next section, the weights of the cast weights are analyzed and the statistical diagram of the weights of the cast weights - which is mainly influenced by Persian literature - is followed. Literary technique and fantasies are other parts of the article. In this section, the effect of imaginary forms and expressive combinations of Persian literature on cast poets is presented analytically. The conclusion is quoted at the end.

**Keywords:** Rekhta poem, Urdu literature, Persian literature, prosody, figures of speech.

---

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Iran

Email: as\_58\_58@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Gamishan Branch, Islamic Azad University, Gamishan, Iran. (Author)

Email: S\_morshedei@yahoo.com